

بررسی وضعیت اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی خلیج فارس در عصر جهانی شدن حقوق بشر بین المللی

فاطمه سادات موسوی^۱

ماشالله حیدرپور^۲

محمد علی کفایی فر^۳

چکیده

یکی از چالش‌های حقوق جوامع بشری که همواره به اشکال مختلف تداوم دارد، وضعیت حقوق نابرابر زنان نسبت به مردان است. از سوی دیگر با فرآیند جهانی شدن، اقدامات موثر برای رفع نابرابری‌های حقوق زنان در کشورهای درحال توسعه قوت یافت. هدف از مقاله حاضر، بررسی نقش جهانی شدن حقوق بشر بر اصلاح نظام حمایت از زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. همچنین با استفاده از روش تحقیق توصیفی-اسنادی به بررسی بررسی کنوانسیون‌ها و معاهده‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق زنان و میزان اثرگذاری آنها بر وضعیت حقوق زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس پرداخته شد. متعاقباً سوال اصلی مقاله حاضر این است که وضعیت اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در پرتو توسعه و گسترش حقوق بشر بین‌المللی در عصر جهانی شدن چگونه قابل تحلیل و ارزیابی است؟ از سوی دیگر فرض بر این است که وضعیت نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی خلیج فارس علی‌رغم حاکمیت نسبی فرهنگی سنتی، خشونت و تبعیض در قالب اقداماتی نظیر توجه به رفع تبعیض نسبی، پذیرش حق رای، برخورداری اقتصادی و نظارت بین‌المللی، در پرتو توسعه و گسترش حقوق بشر در عصر جهانی شدن قابل تحلیل و ارزیابی می‌باشد. بر اساس یافته‌ها تحقیق، نظام حقوق بشر با محوریت رفع تبعیض، ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان، کنترل خشونت مردان علیه زنان کنوانسیون و معاهده‌های مختلفی را تنظیم کرده است. تدوین راهبردهای اجرایی و ایجاد ضمانت‌های اجرایی سبب شد تا وضعیت زنان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به لحاظ وضعیت تحصیلی، اشتغال، کرسی‌های سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی بهبود پیدا کند و با شکل‌گیری نظام جهانی وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است. نتایج نشان داد شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی و حمایت جهانی از حقوق زنان، سبب شد تا وضعیت آموزش، تحصیلات، اشتغال، آزادی‌های مدنی و حتی مشارکت‌های سیاسی زنان نسبت به دهه‌های پیشین در کشورهای حوزه خلیج فارس افزایش پیدا کند. اگرچه هنوز به طور کامل تغییرات در حوزه زنان ایجاد نشده است، اما با تداوم حمایت‌های بین‌المللی و تشکیل اتحادیه و جنبش‌های داخلی توسط زنان این امر به طور کامل محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی

حقوق زنان، حقوق بشر، کشورهای عربی خلیج فارس، جهانی شدن.

۱. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: 2120256977@iau.ir

۲. گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mashallah.heidarpour@iau.ac

۳. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: ma.kafaeifar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۳/۲۰

طرح مسأله

در طول تاریخ، توزیع قدرت، برخورداری از مطلوبیت‌ها و ویژگی‌های حقوقی، همواره به شکلی نابرابر میان دو جنس زن و مرد شکل گرفته است. موقعیت‌های تصمیم‌سازی، توزیع مزایا و به عبارتی قدرت، بیشتر در میان مردان رد و بدل شده است. البته فرهنگ و سنت‌های تاریخی، به ویژه تسری تفکر مردانه بودن قدرت، تفاوت‌انگیزه یا علاقه‌زنان با مردان در کسب قدرت و بسیاری نظرات بی‌اساس دیگر به این روند کمک کرده است.

متعاقباً متناسب با شرایط اجتماعی، تاریخی و دینی هر سرزمینی قوانین مربوط به زنان دچار نسبیّت و تغییر می‌شود و به همین دلیل جنسیت زن را باید در بستر جغرافیایی خود مطالعه کرد. صاحبان قدرت و حاکمیت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به نسبت دیگر کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل ریشه‌های سنتی و ایدئولوژیک نظام مردسالارانه، در دهه‌های اخیر چندان موافق تغییر شرایط زنان در ساختار سیاسی و اجتماعی نبودند اما به دلیل الزامات قوانین بین‌المللی در حوزه زنان مجبور به ایجاد تغییراتی در حوزه قوانین زنان و خانواده شدند. متعاقباً کنوانسیون‌ها و نظام حقوق بشر در حوزه زنان با مصوبات و نشست‌های جهانی و ابلاغ آن به دولت‌های عضو، به دنبال کاهش نابرابری جنسیتی و کنترل خشونت علیه زنان بودند. البته این موارد، غیراز کنوانسیون‌ها، مقاله‌نامه‌ها و اساسنامه‌های سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل نظیر مقاله‌نامه شماره ۱۱ سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون رفع تبعیض در آموزش یونسکو و اساسنامه رم مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی است که با موازین حقوق بشر هم در ارتباط هستند. در همین راستا می‌توان گفت از لحاظ تبیین و تشریح مفاهیم و موازین حقوق بشر به صورت فراگیر و جهان‌شمول و بیان التزام دولت‌ها به رعایت آنها، تلاش قابل‌توجهی در سطح بین‌المللی صورت گرفته و سازمان ملل به نحو شایسته‌ای وظیفه‌ای را که منشور ملل متحد در این زمینه به آن سپرده، انجام داده است، زیرا نخستین گام برای تضمین احترام به حقوق انسان‌ها و جلوگیری از نقش آنها، تبیین و تشریح آن حقوق و فرهنگ‌سازی برای آن و برقراری التزام قراردادی به منظور رعایت آنها برای دولت‌هاست که این امر در این اسناد مختلف به نحو مطلوبی انجام شده است. به طور مثال در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) نیز در ماده ۲ مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم کرده، موافقت می‌کنند که بدون درنگ، سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و بدین وسیله موارد موافقت‌شده را متعهد می‌شوند. در همین راستا برخی از موارد موافقت‌شده شامل وضع و اصلاح قوانین در زمینه رفع تبعیض، حمایت از قانون از حقوق زنان و امثال آن است. همچنین اعمال حق شرط در

معاهدات یکی دیگر از راهبردهای اجرایی حقوق بشر می باشد که در راستای اجرای مفاد قوانین حقوق بشر الزام آور است. دولت هایی که می خواهند به یکی از معاهدات بین المللی حقوق بشر بپیوندند و خود را متعهد به اجرای مفاد آن نمایند، ممکن است نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، ملاحظاتی داشته باشند و مایل نباشند نسبت به همه موارد پایبند باشند، در این صورت مشروط یعنی بدین صورت که متعهد به اجرای برخی از مقررات نباشند، بپذیرد و تصویب کنند. به طور کلی در جهان امروز، زنان وضعیت متفاوتی به نسبت مختصات جغرافیایی که دارند، تجربه می کنند. حوزه خاورمیانه یکی از پرچالش ترین مناطق برای زنان بوده است تا جایی که سنت، مذاهب و دیگر عوامل سیاسی و اجتماعی همواره چالش های زیادی را برای زنان ایجاد کرده است که نیاز به مطالعه و تحقق دارد.

متعاقبا جامعه هدف در رساله حاضر منطقه خاورمیانه می باشد که عمدتا بر اساس مستندات و گزارشات علمی و عینی، زنان در وضعیت مناسبی قرار ندارند و عمدتا در چارچوب تاریخی تا عصر معاصر همواره مقام فرودستی در مقابل مقام فرادستی مردان را تجربه و زیست کرده اند. به طور کلی منطقه خاورمیانه گروه های فرهنگی و نژادی گوناگونی مانند ایرانیان، آشوری ها، آذربایجانی ها، ترک های آناتولی، کردها، بلوچ ها، عرب ها و بربرها را در خود جای داده است. زبان های اصلی این منطقه عبارت است از فارسی، ترکی آذربایجانی، کردی، لری، بلوچی، آشوری، ترکی استانبولی، عربی و عبری. در برخی زمینه ها واژه بسط یافته خاور میانه به تازگی شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، قفقاز، آسیای مرکزی و آفریقای شمالی شده است که علاوه بر آنچه یادشد زبان اردو و پشتو را نیز در بر می گیرد.

اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، فلسطین، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر و یمن کشورهای واقع در تقسیم بندی خاورمیانه می باشند که در مقاله حاضر با توجه به ویژگی های مشترک در بخش حقوق زنان، دسته بندی می شوند. همچنین بیشتر کشورهای مذکور مسلمان می باشند که از مبانی شرعی و دینی در تعریف حقوق زنان الهام می گیرند؛ در بخش دیگر باید گفت که فرهنگ، عرف، باورها عامه و قراردادهای اجتماعی هریک از کشورهای مذکور در تعیین وضعیت حقوقی زنان اثرگذار است. جایگاه فرودست زنان در جامعه، محرومیت از حقوق ابتدایی، بی توجهی به زنان در بخش تدوین حقوق و مقررات (خانواده، دیه، شغل، حضانت، حق انتخاب و...)، خشونت علیه زنان و بهره کشی جنسی نشان دهنده وضعیت زنان در خاورمیانه است؛ مادامی که حتی زنان از ایدئولوژی ها نوظهور از جمله داعش هم در امان نبودند. در سوریه، عراق و نقاط دیگر، هیولای اسلام گرای جدید «داعش» پس از قتل عام مردان روستاهای تحت تصرفشان، زنان ایزدی و مسیحی را به بردگی جنسی گرفتند. البته تلاش هایی هم از جانب زنان جهت مقابله و رفع تبعیض های

جنسیتی صورت گرفته است؛ متعاقباً در تونس، فعالین و معترضین زن با پیوند زدن میان اسلام‌گرایان معتدل‌تر و سکولارها و با کمک به تدوین یک قانون اساسی شمول‌گرایانه‌تر، نقشی برجسته در عقب‌نشاندن سلفی‌ها ایفا کردند. نهایتاً همانطور که در مقدمه عنوان شد، ساختار جنسیتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس متأثر از قوانین بین‌الملل در حوزه حقوق زنان، دچار تغییراتی شد که در این مقاله به سازوکار این تغییرات و نحوه اثرگذاری آن در کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی پرداخته خواهد شد. در همین راستا با توجه به عنوان پژوهش در مقاله حاضر ابتدا به پیشینه تحقیق، بررسی مفهوم جهانی شدن، مبانی نظری حقوق بشر، راهبردهای اجرایی حقوق بشر، وضعیت حقوق زنان در خاورمیانه، همبستگی زنان در جهان، یکسان‌سازی و توسعه نهادهای جدید حقوق زنان در نظام جهان و دیگر موضوعات مرتبط پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق

حاضری و محمدی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به تحلیل جامعه‌شناختی تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه پرداختند. نتایج محققان در این تحقیق نشان می‌دهد در شرایطی که کشورهای مصر، مراکش و تونس بستر مناسبی برای شکل‌گیری فمینیسم اسلامی است، کشورهای ایران، لبنان، بحرین، الجزایر و امارات بستر مناسبی برای شکل‌گیری فمینیسم مدرن و پسامدرن است. همچنین در کشورهایی نظیر قطر، کویت و عربستان به دلیل شکاف میان توسعه انسانی و توسعه جنسیتی امکان شکل‌گیری جنبش زنان برای به‌رسمیت‌شناسی وجود ندارد.

وردی زاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی حقوق زن در حقوق ایران و سایر کشورها پرداخته است. طبق نتایج تحقیق جایگاه و شخصیت زن در فرهنگ هر جامعه، نشان دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است. محقق در این مقاله تلاش نموده تا چالشی که زمینه را برای دستیابی به حقوق از دست رفته زن در دنیا که از او فقط استفاده ابزاری و تبلیغاتی می‌شود، تا حدی فراهم کند. از دیدگاه محقق انسانی که از جایگاه رفیع خود، فرو کشیده شد و در مرتبه‌ای بس پایینتر از شأن واقعی خود قرار داده شد و از او در رشد و تعالی روح مرد و خانواده، سخنی به‌میان نیامده و نقشش در به‌کمال رسیدن معرفت، نادیده گرفته شد.

شجاعت الحسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی به تبیین و بررسی حقوق اجتماعی زنان در ایران و اسناد بین‌المللی پرداخته است. محقق در این بررسی نتیجه می‌گیرد که دین مبین اسلام نیز براین عمل انسان‌ها مهر تایید زد و انسان‌ها با عنایت به عقل و وحی توانستند قوانینی بدون سازند بدون تردید قوانین اسلام برای انسان‌ها وضع گردیده و اگرچه اسلام برای

تحقق حقوق زنان قوانین زیادی را وضع نمود تا زنان را با مردان برابر کند اما بدون تردید به قوانین و دستورات اسلام توجه کافی نشد و بازهم حقوق زنان به صورت لازم اجرا نگردید و قطعا اسلام فراتر و کامل تر از اسناد بین الملل به توسعه و پیشرفت زنان در جامعه توجه کرده است. **طاهری و مکرمی (۱۳۹۳)** در مقاله ای به بررسی تعارض های کنوانسیون «رفع تبعیض از زنان» با دیگر اسناد و معاهدات بین المللی پرداختند. طبق نتایج محققان، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با منشور سازمان ملل (در بحث حاکمیت ملی)، کنوانسیون معاهدات، اعلامیه حقوق بشر (در بحث مادری و ادیان)، کنوانسیون حقوق کودک، سند پکن و حتی با خود این کنوانسیون دارای تعارض های جدی است که این تعارض ها توسط محققان در مقاله حاضر نشان داده شده است.

ژانت آفاری (۲۰۰۴) در پژوهشی به مطالعه حقوق بشر زنان خاورمیانه ای و مسلمان: پروژه ای برای قرن بیست و یکم - پرداخته است. نتایج مقاله نشان داد رشد جنبش های اسلام گرا از جمله داعش در جهان و ظهور ناسیونالیسم های جدید پس از سقوط اتحاد شوروی، وحشی گری های تازه ای را علیه زنان به راه انداخت. در چند برهه ای زمانی، زنان خاورمیانه ای/مسلمان در دهه ی ۹۰ میلادی، با طرح حقوق بشر زنان، مراکز زنان و پژوهش های فمینیستی در دستور کار سیاسی، به دستاوردهای مهمی رسیدند.

۲. مبانی نظری جهانی شدن حقوق بشر

جهانی شدن به عنوان مفهومی که هم به در هم فشرده شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. با ایجاد فشردگی زمان و مکان، و امکان فضا مند شدن زندگی اجتماعی در فضایی که به شدت مرکزیت زدایی شده، باعث ایجاد آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل، به عنوان محوری ترین و مهمترین موضوع در شناخت ابعاد و تأثیراتی که فرآیندهای جهانی شدن در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسانها بر جای میگذارد، فراهم آورده است. بنابراین، می توان گفت، جهانی شدن با رسوخ پذیری اندیشه حقوق بشر در قوانین اساسی و سازمان های سیاسی-اجتماعی کشورهای مختلف، فرهنگ حقوق بشری را در قوانین اساسی و شکل بندی اجتماعی کشورهای گوناگون وارد نموده و بدین طریق زمینه را برای جهانی شدن حقوق بشر فراهم آورده است. در واقع، جهانی شدن حقوق بشر با تبدیل قواعد حقوق بشر به عرف بین الملل و در نهایت، تلاش برای «آمره شدن» آن قواعد، باعث شده تا حمایت از حقوق بشر در نظام بین الملل پس از گذشت بیش از پنجاه سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از جایگاه درجه دوم در سیاست بین الملل، به جایگاه درجه اول ارتقا پیدا نماید و از اهمیت و اولویت درجه اول در روابط بین الملل برخوردار گردد. بر این اساس، شاهد آن

هستیم که استقبال جامعه بین‌المللی در همه مناطق جهان نسبت به استانداردهای حقوق بشر و غیر قابل انکار بودن همه اصول آن، به ویژه استثناء بردار نبودن ضمانت اجرای حقوقی نظیر: حق حیات، آزادی بیان و اندیشه، منع شکنجه، منع برده داری و بندگی، آزادی عقیده و مذهب و ... موجب شده، تا نقض حقوق بشر در قرن بیست و یکم برابر با نقض اصول آمره حقوق بشر باشد و نقض قواعد آمره مترادف با تهدید صلح و امنیت بین‌الملل قلمداد گردد. در این بین، نکته مهم آنکه اگر چه اختلافات ناظر در اجرای حقوق بشر در روابط بین‌الملل به عنوان یک موضوع اختلاف زا همچنان باقی مانده است، اما از آنجایی که در عصر جهانی شدن، هسته اصلی جهان شمولی فرهنگ نوین و جهانی شدن آن، اندیشه حقوق بشری است و اندیشه حقوق بشر، مبنای اصلی فرهنگ نوین می باشد، با جهانی شدن آن، فرهنگ جدید نیز جهانی میشود. در واقع، جهانی شدن حقوق بشر تلاش دارد با توجه به فلسفه وجودی و هدف غایی اصول حقوق بشر که احترام، حمایت و حفاظت از حیثیت ذاتی انسان برخاسته از جهانی شدن فرهنگ حقوق بشری است، با طرح خود به عنوان ویژگی دائم و پایدار سیاست جهانی برای قرن ۲۱ زمینه را برای تسریع در فرآیند شکل‌گیری فرهنگ صلح در روابط بین‌الملل فراهم سازد (گودرزی و کفاش نیری، ۱۳۹۸: ۲۳). مسائل برابری جنسیتی در مناطق جغرافیایی و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است، متعاقباً مسائل زنان علی‌رغم اشتراکاتی که دارد، باید به تفکیک مناطق جغرافیایی مورد بررسی قرار بگیرد، چراکه عمدتاً چالش‌های جنسیتی در منطقه خاورمیانه یا کشورهای اروپایی تفاوت‌هایی هم دارد (هوآ، ۲۰۲۴).

۱-۲. مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن به صورتهای گوناگون تعریف شده است و هر یک از صاحب‌نظران از وجهی بدان پرداخته‌اند: «مک‌گرو» در خصوص جهانی شدن چنین می‌گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولتها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیتهای یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخشهای بسیار دور کره زمین در بر داشته باشد. یکی از ویژگیهای اصلی جهانی شدن ارتباطات متقابل است، اما بر خلاف وابستگی متقابل که بر دو جانبه بودن تأکید دارد، جهانی شدن امکان وابسته شدن را نیز در نظر می‌آورد. مفهوم جهانی شدن به اهمیت نظم دهی مجدد زمان و مکان اشاره دارد. نظریه پردازان وابستگی متقابل، نگاه خود را روی بین‌المللی شدن روابط بین‌الملل متمرکز ساخته‌اند، در حالی که نویسندگانی که در پارادایم جهانی شدن قلم می‌زنند از حرکت به سوی یک جامعه جهانی سخن می‌گویند. در دیدگاه برخی صاحب‌نظران جهانی شدن با انحصار همخوان نیست،

یعنی جهانی شدن این واقعیت را می پذیرد که انحصاری بودن یک واقعیت است و نه یک امکان تاریخی. در نظر برخی دیگر از صاحب نظران، جهانی شدن به عنوان یک مفهوم هم به کوچک شدن جهانی و هم به تقویت آگاهی از جهان اشاره دارد (نقیب السادات، ۱۳۷۹). در همین راستا همزمان با اصلاحات حقوقی و سیاسی در سطح جهان و افزایش روند برابری زن و مرد، روی آمدن تعداد بیشتری از زنان در سطوح بالای تصمیم گیری های کلان و نیز مشارکت در فضاهای اجتماعی و... محقق شد. حضور متناسب و صحیح زنان در نظام های اجتماعی نشانگر اهمیت مشارکت آنان در موفقیت پایدار نظام ها بوده است. متعاقباً حضور زنان در جامعه و توجه به حقوق آن ها، متناسب با ویژگی های فطری و فرهنگی که در خود دارند، نقش موثری را در فرآیند توسعه اجتماعی و اعتلای اخلاقی جامعه ایفا می کنند (شیبانی و ماجدی، ۱۳۹۵).

۳. توسعه و گسترش حقوق بشر جهانی در حوزه زنان

حقوق زنان و برابری جنسیتی، به ویژه در نسل کنونی، به دلیل افزایش تعداد زنانی که به دنبال ارتقای جایگاه اجتماعی و کسب مشاغل هستند، با موافقان و مخالفان زیادی مواجه است، به ویژه در برابر نسل های قدیمی که گمان می کنند وظیفه زنان فقط در خانه و خدمت به همسرانشان است. آنها اجازه ورود به نیروی کار، سیاست یا حتی حاکمیت را ندارند. مقاومت مردان که در گروه های قدرت و حاکمیت حضور دارند، سبب شد همواره اعتراضاتی از سوی زنان صورت بگیرد تا در فرآیند جهانی شدن این مسئله مورد توجه نهادهای بین المللی قرار بگیرد. مسائل جاری زنان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نهادهای بین المللی را قادر می سازد تا در پرداختن به مسائل مربوط به حقوق زنان و برابری جنسیتی با دیدگاه های مختلف از چهار مکتب فکری در پرداختن به این موضوعات و دیدگاه های مختلف اجتماعی در مورد مشارکت زنان در سیاست، امور اجتماعی، حکومت داری و نیروی کار، تجزیه و تحلیل و دیدگاهی جامع داشته باشند. و از سوی دیگر مردان علاوه بر این، دیدگاه های اجتماعی، به ویژه از نسل های قدیمی تر، وجود دارد که هنوز دیدگاهی مردسالارانه نسبت به زنان دارد (نورماواتی، ۲۰۲۴). جهانی شدن حقوق به عنوان بخش خاصی از جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که به همسان سازی و یکسان سازی قواعد، مفاهیم و نهادهای حقوقی خاص در سطح داخلی و بین المللی می انجامد. این فرآیند، تمام قلمروهای هنجاری یا تمام قلمروهای سرزمینی را به طور یکنواخت پوشش نمیدهد، اما تأثیرات عمده و جریان سازی را بر نظام های حقوقی داخلی و بین المللی برجای می گذارد. کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲)، کنوانسیون تابعیت زنان متأهل (۱۹۵۷)، کنوانسیون رضایت برای ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج (۱۹۶۲)، نخستین گام ها در جهت تحقق همسان سازی جهانی قوانین با هدف حمایت از حقوق زنان

می‌باشند، اما مهمترین آنها، کنوانسیون امحای کلیه ی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) است که گامی جدی و جهانی در راستای اصل منع عدم تبعیض جنسیتی زنان به شمار می‌رود. باید دانست که جهانی شدن نهادها و هنجارهای قانونی، زمانی که منجر به دگرگونی در ارزش‌های بنیادی و رویه‌های فرهنگی شوند و در سطوحی مانند جنسیتی، نژادی، مذهبی، خانوادگی، طبقاتی، حق حاکمیت رخ دهند، ممکن است به مناقشات و مقاومت‌های بزرگی بیانجامد؛ برای مثال، بدیهی است که باید مقاومت داخلی بیشتری درباره‌ی تغییرات رادیکال هنجارهای مربوط به روابط جنسیتی و حقوق زنان نسبت به تغییرات مقررات روابط تجاری وجود داشته باشد. از این امر استنباط می‌شود که رشته‌های مختلف حقوق به نحو متفاوتی در معرض جهانی‌شدن هستند. گذشته از این، به میزانی که جهانی شدن بسط می‌یابد، حقوق تطبیقی نیز بیش از پیش ضروری می‌شود. در واقع منطقی آن است که برای ساختن و شکل دادن به یک حقوق جهانی متکثر، از ارزیابی نقاط اشتراک و افتراق و همچنین خلاءها و موارد سکوت آغاز شود. به تعبیر دیگر، توجه به سیستم‌های حقوقی متفاوت که کشورها در شیوهی قانونگذاری از آن تبعیت می‌کنند و مبانی حقوقی‌ای که خود را ملزم به تبعیت از آن می‌دانند، یا ملهم از آن هستند، سبب می‌گردد تا پذیرش این قواعد و قوانین حقوقی در کشورها با سهولت بیشتری امکان پذیر باشد. در غیر این صورت، انطباق نمادین ملتها در تصویب قوانین موضوعه‌ی ملی، معمولاً در مراحل اجرایی با مشکل مواجه می‌گردد، که این امر بیانگر شکاف سنتی میان قانون در کتابها و قانون در عمل است (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

۴. راهبردهای اجرایی حقوق بشر

تمهیدات مختلف بین‌المللی مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل، برای جلوگیری از نقض حقوق بشر یا کم کردن دامنه آن، اتخاذ شده است. این تمهیدات و سازوکارها به اختصار عبارت است از: تدوین و تصویب اسناد متعدد بین‌المللی، تبیین موازین و مفاهیم حقوق بشر، سوق دادن دولت‌ها به سمت تصویب آن اسناد، ایجاد التزام و تعهد قراردادی برای اجرای آنها و نیز تاسیس نهادهای گوناگون نظارتی و اجرایی که جدیدترین آنها شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی است. البته جز دیوان کیفری بین‌المللی که می‌تواند تصمیمات اجرایی بازدارنده بگیرد، سایر سازوکارهای نظارتی، از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند.

۴-۱. گسترش نهادها و سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر

سازمان‌های غیردولتی از مهمترین و موثرترین نهادهای جامعه مدنی به شمار می‌آیند. به ویژه در طول سه دهه گذشته این شخصیت‌های غیرانتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیت‌شان برحسب خواست جمعی اعضای آن در

پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می کند، تعیین می شود، در جهت تضمین حقوق بشر مطرح و در راستای اسناد بین المللی گام های بلندی برداشته اند. بررسی عملکرد سازمان های غیردولتی مختلف نشان می دهد که این سازمان ها به منظور ارتقای حقوق بشر در داخل کشور خود عمدتاً به اشکال ذیل عمل می کنند:

الف: اقدامات مربوط به ترویج و آموزش حقوق بشر همچون جمع آوری تولید و انتشار اطلاعات و برگزاری دوره های آموزشی

ب: اقدامات مربوط به یاری رساندن به دولت در پیشبرد حقوق بشر به عنوان نمونه از طریق ارائه مشورت به نهادهای دولتی در زمینه قانونگذاری و اجرای قوانین حقوق بشری، اصلاح نظم قضایی در جهت تضمین دادرسی عادلانه و نیز اجرای مفاد اسناد بین المللی

ج: پیگیری و پی جویی موارد نقض حقوق بشر که از طریق شکایت نسبت به آنها آگاهی یافته اند (غلامی، ۱۳۹۵).

در طول سه دهه گذشته این شخصیت های غیرانتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیت شان برحسب خواست جمعی اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می کند تعیین می شود، در جهت تضمین حقوق بشر مطرح و در راستای اسناد بین المللی گام های بلندی برداشته اند (رمضانی و مشهدی، ۱۳۹۴). در همین راستا تقویت، بهسازی و اجرای حقوق بشر از مهم ترین عرصه هایی است که سازمان های غیردولتی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، نقش های عمده ای را در آن ایفا می کنند. در این عرصه، نهادهای عمومی و دولتی نیز در جهت ارتقای هرچه بیش تر حقوق بشر با سازمان های غیردولتی مشارکت می کنند. در این فرایند، رژیم حقوق بشر به صورت شبکه ای عمدتاً فراملی است که در آن اقدامات بخش غیردولتی و دولتی به هم پیوند می خورد و حقوق بشر را به عنوان «سیاست عمومی جهانی» مطرح می سازد. شبکه سیاستگذاری عمومی جهانی برای حقوق بشر در این معنا عبارت از پیوستگی بین ارگان های دولتی، سازمان های بین المللی و جامعه مدنی است که برای دستیابی به اهدافی که به تنهایی قادر به تحقق آن ها نیستند، اقدام می کنند. به علاوه، سازمان های غیردولتی نقش های مکمل نظارتی و اجرایی برای سایر اجزا در این شبکه ایفا می کنند، به نحوی که بدون حضور آنان نظام حقوق بشر جهانی از مختصات یک سیستم کامل و بدون نقص برخوردار نیست (شریف شاهی و جلالی، ۱۳۹۱).

۲-۴. الزامات نوین حقوق بشری جهانی

نوع دیگری از الزامات نوین شامل اسناد بین‌المللی حقوق بشر، معاهده و قرارداد بین دولت‌های مختلف با میدان داری سازمان ملل متحد است. متن این اسناد نیز توسط برخی ارگان‌های سازمان ملل، معمولاً کمیسیون حقوق بشر تا قبل از تبدیل آن به شورای حقوق بشر، تهیه، تدوین و به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد با رای اکثریت دولت‌های عضو حاضر می‌رسد ولی برای لازم‌الاجرا شدن، باید به تصویب مراجع صالح قانون گذاری هر کشوری برسد. دولت‌هایی که این اسناد را در مراجع قانونی خود به تصویب می‌رسانند، از یک سو آن را جزء قوانین داخلی خود در آورده و همانند دیگر قوانین مصوب داخلی، ملزم به اجرای آنها می‌باشند و از سوی دیگر، از منظر بین‌المللی، طرف قرارداد با سایر دولت‌هایی که این معاهده را تصویب کرده‌اند و سازمان ملل متحد را ناظر خود قرار داده‌اند، هستند. در نظام حقوقی برخی از کشورها، اعتبار این نوع معاهدات در حد قوانین داخلی کشور است.

به طور مثال در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) نیز در ماده ۲ مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را در کلیه اشکال آن محکوم کرده، موافقت می‌کنند که بدون درنگ، سیاست محو تبعیض علیه زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و بدین وسیله موارد موافقت شده را متعهد می‌شوند. همچنین اعمال حق شرط در معاهدات یکی دیگر از راهبردهای اجرایی حقوق بشر می‌باشد که در راستای اجرای مفاد قوانین حقوق بشر الزام آور است. دولت‌هایی که می‌خواهند به یکی از معاهدات بین‌المللی حقوق بشر بپیوندند و خود را متعهد به اجرای مفاد آن نمایند، ممکن است نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، ملاحظاتی داشته باشند و مایل نباشند نسبت به همه موارد پایبند باشند، در این صورت مشروط یعنی بدین صورت که متعهد به اجرای برخی از مقررات نباشند، بپذیرد و تصویب کنند. این نوع پذیرش، یک معاهده بین‌المللی را پذیرش با حق شرط یا رزرو می‌گویند. کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۶۹ وین در مورد مقررات مربوط به معاهدات بین‌المللی، حق شرط را چنین تعریف می‌کند: «بیانیه یک جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موضع امضا، تصویب، قبول، تایید یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد. در برخی از معاهدات بین‌المللی حقوق بشری، تصریح شده که دولت‌ها، می‌توانند به هنگام امضا یا تصویب معاهده، تحفظ و حق شرط خود را نسبت به برخی از مقررات آن معاهده، اعلام دارند. به طور مثال کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (ماده ۲۸) بر اصل اعمال حق شرط به هنگام امضا، تصویب و یا الحاق، صحه گذاشتند. در همین راستا تمهیدات نظارتی و اجرایی بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، با محوریت اتخاذ تمهیدات و سازوکارها و تشکیل نهادهایی

تعریف می‌شود که پیگیری اجرای آن موازین بوده و بر رفتار و اقدام دولت‌های عضو، در قبال تعهدات حقوق بشری خود نظارت داشته و ضمانت اجرایی برای آن در نظر می‌گیرند (مهرپور، ۱۳۸۸: ۱۰).

۳-۴. قرائت‌های جدید از همبستگی جهانی زنان

در راستای فلسفه و چرایی نابرابری‌های اجتماعی، گرت معتقد است تفاوت‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت (مردان و زنان) کاملاً ساخته ذهن انسان است و تحلیل آن نیز از منظرهای گوناگون امکان‌پذیر است؛ تحلیلی مبتنی بر کنکاش در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی (گرت، ۱۴۰۳). یکی از راهکارهای اصلی تغییر مثبت جایگاه زنان، تدوین قوانینی مشخص و حمایت از حقوق زنان می‌باشد. حقوق زنان اصطلاحی است که اشاره به آزادی و حقوق زنان در تمامی سنین دارد و البته ممکن است این حقوق توسط قانون یا رسوم سنتی یا اخلاقی در یک جامعه به رسمیت شناخته شوند یا نشوند (هاسکن، ۱۹۸۱). متعاقباً در حوزه مسئله جهانی شدن و حقوق زنان، موضوعاتی از قبیل برابری جنسیتی، حقوق باروری، مسئله خشونت و سوء استفاده علیه زنان، ارتقای وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان، تحصیلات و اشتغال به عنوان قرائت‌های جدید از حقوق زنان تبیین و در چارچوب حقوق بشر به صورت اعلامیه و معاهده پیگیری شده است. موضوعات و دغدغه‌های مشترک زنان در نقاط مختلف جهان همبستگی نوینی را خلق کرده است که می‌تواند دیدگاه حاکمیت‌ها را نسبت به زنان تغییر داده تا بتوانند وضعیت خود را در تمام ملت‌های به شکلی برابر و همسان تغییر دهند. قرائت جدید از همبستگی جهانی زنان، نشان داده است که مفهوم زن فراتر از یک ملیت تعریف و به شکلی جهانی قابل تبیین و استنباط می‌باشد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، چپ‌ها و سازمان‌های کارگری به گروه‌های زنان پیوستند و خواستار دستمزد برابر، فرصت‌های اقتصادی برابر، حقوق قانونی برابر، حقوق باروری، مراقبت از کودکان و جلوگیری از خشونت علیه زنان شدند. سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ جشن روز جهانی زنان را آغاز کرد که به عنوان سال جهانی زن اعلام شده بود. در سال ۱۹۷۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کشورهای عضو دعوت کرد تا ۸ مارس را به عنوان تعطیلی رسمی سازمان ملل برای حقوق زنان و صلح جهانی اعلام کنند. از آن زمان به بعد این روز هر ساله توسط سازمان ملل متحد و بسیاری از کشورهای جهان گرامی داشته می‌شود و هر سال بر موضوع یا موضوع خاصی در زمینه حقوق زنان تمرکز دارد (گیلز، ۲۰۱۷).

۵. فرآیند اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی خلیج فارس

زنان در خاورمیانه، مانند سایر زنان در سراسر جهان، در خط مقدم تلاش برای تغییرات سیاسی، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند و برای رفع یک بیماری همه‌گیر جهانی به نام

نابرابری حقوق زنان تلاش می‌کنند (ماها یحیی، ۲۰۲۰). کشورهای خلیج فارس یا کشورهای عربی عضو خلیج فارس یا به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس دارند و معمولاً به این کشورها عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود. در همین راستا وضعیت زنان در کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی، به عنوان جامعه هدف مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش از مقاله با بررسی وضعیت تاریخی و فعلی زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مولفه‌های داخلی اثرگذار بر اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. با نگاهی به تاریخچه وضعیت زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، باید گفت تا قبل از سه دهه اخیر، زنان از بسیاری حقوق اجتماعی و مدنی در جامعه محروم بودند و پس از شکل گیری نظام جهانی در حوزه حقوق زنان و برقراری تعاملات بین کشورهای مذکور با جهان، وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است.

۶. افکار عمومی و گسترش شبکه‌های اجتماعی حقوق زنان

امروزه، شبکه‌های اجتماعی قوی‌ترین ابزارها برای طرح و رواج اندیشه‌ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ‌ها و نگرش‌ها به قلب جوامع‌اند. از این روی، نامشان سرفصل بسیاری از مباحث اجتماعی قرار گرفته است و در این میان، مبحث «زن و رسانه‌ها» از اصلی‌ترین موضوعاتی است که طی دهه گذشته، اندیشمندان و جامعه‌شناسان و به‌ویژه، دست‌اندرکاران مسائل زنان به آن پرداخته‌اند. به عبارتی، کارکردهای ارتباطی کاملاً منحصر به فرد شبکه‌های اجتماعی در قیاس با رسانه‌های سنتی، موضوع آثار و کارکرد آن را بر زنان و ارزش‌های اساسی حاکم بر این حوزه به موضوع مهمی در ادبیات و برنامه‌های پژوهشی پیرامون شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید تبدیل کرده است (بخشی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). شبکه‌های اجتماعی نوین به عنوان یک رسانه تاثیرگذار در ایجاد فضایی باز و گسترده برای کاربران خود، بویژه زنان نقش مهمی را ایفا کرده است. در سال‌های اخیر، گسترش ضریب نفوذ اینترنت در جهان و عضویت در شبکه‌های اجتماعی رشد چشمگیری داشته است (باوی و همکاران، ۱۳۹۸). شبکه‌های اجتماعی بر افزایش میزان خوداظهاری زنان دامن زده‌اند و این امکان را برای آنها فراهم کرده که صدای خود را به گوش دیگران برسانند. در همین راستا اگر زنی در زمینه اجتماعی بخواهد خود بیانگری داشته باشد و بخواهد اطلاعات و دانش خودش را با دیگران به اشتراک بگذارد و یا حتی در معرض داوری دیگران قرار دهد و از طرف دیگر بتواند بازخورد دریافت کند، این شبکه‌ها خیلی به او کمک می‌کنند (عبداللهیان و هومن، ۱۳۹۸: ۱۵۱).

۷. گسترش سازوکار نظارتی بر حقوق زنان

با لحاظ تعهدات در حوزه حقوق زنان و به‌منظور تحصیل این واقعیت، که دولت‌ها در راستای انجام وظایف خویش اقدام مثبت انجام می‌دهند، مجموعه سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی تعریف و شکل گرفته است. در همین راستا در ادامه، به مهم‌ترین این نهادهای حقوقی اشاره می‌شود.

۱-۷. راه‌اندازی کمیته‌های خاص

از مهم‌ترین سازوکارهای تعریف‌شده در اسناد بین‌المللی، تأسیس کمیته‌های خاص نظارتی است. این رویکرد، که از سال ۱۹۶۶ شکل گرفته، زمینه‌ای مناسب برای وادار کردن دولت‌ها به انجام تعهدات خویش فراهم آورده است. مهم‌ترین اسناد حقوق بشری، که از چنین شیوه‌ای استفاده کرده‌اند، عبارتند از:

الف. کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۶) با عضویت ۱۷۳ کشور جهانی.

ب. کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) با عضویت ۱۸۵ کشور جهانی.

ج. کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴) با ۱۴۴

کشور عضو

د. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) با عضویت ۱۹۳ کشور

ه. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان

(۱۹۹۰)، با ۳۷ کشور

و. کنوانسیون بین‌المللی برای محافظت از همه اشخاص از ناپدید شدن‌های اجباری (۲۰۰۶).

با ۶۱ کشور

ز. کنوانسیون مربوط به حقوق معلولان (۲۰۰۶) با ۲۰ کشور.

۲-۷. صدور اعلامیه‌های خاص

سازمان ملل متحد معیارها و مقررات فراوان دیگری درباره حمایت از حقوق بشر تصویب کرده است. این اعلامیه‌ها، ضوابط رفتاری و اصول معاهده‌ای نیستند که کشورها عضو آنها شوند، بلکه به دلیل آنکه با اجماع کشورها تصویب شده‌اند، تأثیر مهمی در اجرای مقررات حقوق بشری دارند.

از جمله مهم‌ترین این اسناد، عبارتند از: اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲)، اعلامیه مدافعان حقوق بشر (۱۹۹۸)، حداقل مقررات استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، اصول اساسی مربوط به استقلال قوه قضائیه (۱۹۸۵) و مجموعه

اصول ناظر بر حمایت از همه اشخاصی که تحت هر شکلی در بازداشت یا زندان هستند (۱۹۸۸). هدف اصلی از صدور این اعلامیه‌ها، از یک‌سو، تبیین روشن وظایف دولت در انجام تعهدات خویش در قالب ترسیم خطوط کلی و از سوی دیگر، افکار عمومی و آشنا نمودن افراد به مطالبات بر حق خویش می‌باشد. نتیجه این رفتار و اقدام مجامع بین‌المللی، مواجه شدن دولت‌ها با افکار عمومی آگاه می‌باشد. روشن است که دولت‌ها در این شرایط، باید پاسخ‌گویی کننده‌ای برای شهروندان خویش داشته باشند. رویکرد فوق، رویکرد کنترلی توسط افراد می‌باشد.

۳-۷. گروه‌های کاری و گزارشگران

این گروه‌ها، که در ارتباط مستقیم با عملکرد دولت‌ها هستند، از دیگر سازوکارهای نظارتی بر حقوق بشر و اجرای آنها توسط دولت‌ها می‌باشند. این گروه‌ها، موارد نقض را بررسی می‌کنند. این افراد با امکانات شخصی خود به مدت شش سال فعالیت می‌کنند. گزارش آنها به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال می‌شود. بخش مهمی از تحقیقات در محل انجام می‌پذیرد و گزارش آنان منتشر می‌شود. گزارشگران ویژه کشور، نمایندگان و کارشناسان مستقل و همین‌طور گزارشگران ویژه، نمایندگان و گروه‌های کاری، درباره موضوع‌های مختلف گزارش می‌دهند، مانند خشونت علیه زنان، قاچاق انسان، تخلیه غیرمجاز محصولات و پسماندهای سمی و خطرناک، تروریسم، نژادپرستی، شکنجه، مردمان بومی، آزادی‌های مختلف مدنی و سیاسی، مزدوران، مهاجران و بدهی خارجی (راعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).

۴-۷. نهادها و تشکیلات حقوق بشری

راه‌اندازی شورای حقوق بشر، که در مارس ۲۰۰۶ به تصویب مجمع عمومی رسید و با ترکیب ۴۷ عضو انتخابی از سوی مجمع عمومی با رأی مخفی، تأسیس کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر، که در سال ۲۰۰۹ جای خود را به کمیته مشورتی شورای حقوق بشر داد. ایجاد کمیسیون عالی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، که دارای مسئولیت اصلی فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر که کانون مرکزی فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل است، و مهم‌تر از همه خود سازمان ملل به‌عنوان قانون‌گذار، ناظر، مرکز ارتباطی، مدافع، تحقیق‌کننده و به‌عنوان کشف حقیقت، و درنهایت به‌منزله یک دیپلمات، اصلی‌ترین نهادهای حقوق بشری ناظر را تشکیل می‌دهند (همان).

۸. فرآیند اصلاح نظام حمایت از حقوق زنان در کشورهای عربی

کشورهای خلیج فارس یا کشورهای عربی عضو خلیج فارس یا به کشورهای و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های خلیج فارس دارند و معمولاً به این کشورها عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود. در همین راستا وضعیت زنان در کشورهای قطر، عمان،

کویت، امارات متحده عربی، بحرین و عربستان سعودی، به عنوان جامعه هدف در رساله حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فرهنگ، عرف، باورها عامه و قراردادهای اجتماعی هریک از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در تبیین و تعیین وضعیت حقوقی زنان اثرگذار است. جایگاه فرودست زنان در جامعه، محرومیت از حقوق ابتدایی، بی توجهی به زنان در بخش تدوین حقوق و مقررات (خانواده، دیه، شغل، حضانت، حق انتخاب و...)، خشونت علیه زنان و بهره کشی جنسی نشان دهنده وضعیت زنان در خاورمیانه است؛ مادامی که حتی زنان از ایدئولوژی‌ها نوظهور از جمله داعش هم درامان نبودند. در سوریه، عراق و نقاط دیگر، هیولای اسلام‌گرای جدید «داعش» پس از قتل عام مردان روستاهای تحت تصرفشان، زنان ایزدی و مسیحی را به بردگی جنسی گرفتند. البته تلاش‌هایی هم از جانب زنان جهت مقابله و رفع تبعیض‌های جنسیتی صورت گرفته است؛ متعاقباً در تونس، فعالین و معترضین زن با پیوندزدن میان اسلام‌گرایان معتدل‌تر و سکولارها و با کمک به تدوین یک قانون اساسی شمول‌گرایانه‌تر، نقشی برجسته در عقب‌نشاندن سلفی‌ها ایفا کردند. آن‌ها در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ نقش مهمی در شکست اسلام‌گرایان داشتند (جانت، ۲۰۰۴). در همین راستا گزاره‌های مذکور نشان دهنده وضعیت بغرنج حقوق زنان در خاورمیانه است که نیاز به بازآفرینی در قالب یک ساختار حقوقی مشخص و معقولی احساس می‌شود. متعاقباً سنجش رعایت حقوق زنان در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه، باید در قالب یک گفتمان جهانی، معقول و مشترک به نام حقوق بشر صورت بگیرد. حقوق بشر به طور کلی «آزادی‌ها، مصونیت‌ها و منافع است که از طریق ارزش‌های پذیرفته شده معاصر، تمام انسان‌ها باید قادر به ادعای آن باشند؛ متعاقباً این حقوق بنیادین یا طبیعی اند. به عبارت دیگر همه افراد از این نظر که انسان‌اند از حداقل حقوقی برخوردارند که ربطی به تابعیت، مذهب، نژاد یا جنس‌شان ندارد و دولت‌ها در روابط بین‌المللی میل دارند که این حداقل حقوق را رعایت کنند. این در حال است که حضور زنان در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دلیل نوع نگاه حاکمیت و مواضع برخی جریان‌های سیاسی و دینی، همواره یکی از مسائل و دغدغه‌های مورد بحث در سطح جامعه بوده است. کشورهای حوزه خلیج فارس هرچند گشایشی در فضای سیاسی داخلی ایجاد نکرده‌اند، در دو دهه گذشته نسبت به مسئله حضور زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی رویکردهای مثبتی به کار گرفته‌اند. از سوی دیگر بنابر شواهد موجود، اکثریت زنان در بسیاری از کشورهای عربی از جایگاه نابرابری نسبت به مردان برخوردار بوده و همچنین بیشتر در بخش غیررسمی کار می‌کنند. علاوه بر این، جنبش "بهار عربی" که در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، زمینه بیکار و گرایش زنان به مشاغل غیررسمی را افزایش داد. از سوی دیگر وجود درگیری، تروریسم و استبداد کنونی در منطقه، مهاجرت برون مرزی افزایش یافته

است و بر جمعیت زنان کارگر افزوده است. مادامی که نهادهای بین الملل همواره از اهرم‌های مختلفی برای تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان استفاده می‌کنند تا مبتنی بر معاهده‌ها، زمینه برابری حنسیتی محقق شود (خفقی و خالیک، ۲۰۱۹).

۹. وضعیت حقوقی زنان در کشورهای عربی

در همین راستا بحرین با توجه به وجود حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، حقوق زنان در پایین‌ترین سطح می‌باشد. وجود گزارش‌های متعدد در خصوص تجاوز به زنان در زندان‌ها و مراکز پلیس، آزار و اذیت، قوانین تبعیض‌آمیز، عدم جایگاه مناسب اجتماعی از جمله مواردی است که در خصوص زنان بحرینی وجود دارد. همچنین سازمان عفو بین الملل، معتقد است، زنان عربستانی حق رأی دادن ندارند و تحصیلات عالی محرومند و قادر به سفر یا کار نیستند و در زمینه حق ازدواج نیز با محدودیت مواجه‌اند و به نظر می‌رسد که در منازل نیز با آنان رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود و به عبارتی خشونت علیه زنان در خانواده‌های عربستانی به شدت افزایش یافته است. سازمان عفو بین الملل گزارش می‌دهد، این مسائل مانع بزرگی بر سر راه آزادی آنها به شمار می‌رود (پهلوانی و گلستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). این درحالی است که به دلیل فشارهای بین‌المللی و موافقت‌های صورت گرفته، وضعیت زنان در کشور عربستان دچار استحاله و تغییراتی مثبتی شده است. عمان و قطر به عنوان یکی دیگر از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تا چند دهه قبل به دلایل سنتی و ایدئولوژیک شرایط سختی را برای زنان ایجاد کرد. این درحالی است که به دلیل فشارهای بین‌المللی، کشور عمان طی ۴ دهه تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرده است و در وهله اول طبق وضع قوانین جدید کشور، تمامی زنان همچون مردان از فرصت برابر تحصیلی برخوردار شدند. ایجاد یک سیستم آموزشی دولتی زمینه حضور حداکثری زنان در جهت کسب مدارک تحصیلی فراهم کرده است. از سوی دیگر اگرچه وضعیت اشتغال برای زنان در عمان و قطر بهبود پیدا کرد، اما کماکان اختلاف و تفاوت عمیقی با مردان دارد (الابری، ۲۰۱۸). گذار کشور کویت از نابرابری بین زنان و مردان به نسبت دیگر کشورهای عربی بهتر بوده است. در کویت، بیش از هر جای دیگر در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، زنان نقش‌های برجسته‌ای را در زندگی حرفه‌ای ایجاد می‌کنند و از موقعیت بهتری برخوردارند به طوری که زنان در این جامعه سنتی، در کنار مردان، به عنوان حقوقدان، دانشجو، دیپلمات، پزشک، معلم، استاد دانشگاه، مهندس، سرمایه‌گذار، رییس دانشگاه، معاون وزیر و غیره فعالیت می‌کنند. ولی با این حال زنان کویت از بارزترین حقوق خود یعنی حق رأی دادن و نمایندگی مجلس محروم می‌باشند. بر اساس ماده ۴۱ قانون اساسی کویت، زنان و مردان کویتی حق دارند در زمینه‌ای که مورد علاقه و تخصص آنان می‌باشد، مشغول به کار شوند، دولت هم

موظف است که زمینه‌های فعالیت و اشتغال را به طور برابر برای همه شهروندان، اعم از زنان و مردان فراهم نماید. متعاقباً زنان در امارات متحده عربی به زانی اشاره دارد که در کشور امارات متحده عربی زاده شده‌اند یا در این کشور زندگی می‌کنند. شرایط اجتماعی زنان این کشور شباهت‌هایی به شرایط زنان در دیگر کشورهای جهان سوم دارد و همچنان قوانینی بر ضد زنان در این کشور وجود دارد. برای نمونه، زنان این کشور باید از یک سرپرست مرد برای ازدواج اجازه بگیرند. با این حال، در سال‌های اخیر قوانینی تصویب شدند که آزادی‌های اجتماعی و کاری بیشتری به زنان می‌دهند. عدالت و آزادی‌های بیشتر برای زنان به اقتصاد کشور و شرایط کلی کشور کمک شایانی کرده‌است به نحوی که بسیاری از زنان کارآفرین و سرشناس از کشورهای همسایه به این کشور جذب شده‌اند (دهقانی، ۱۳۹۸).

۱۰. حقوق شهروندی زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

در شیخ نشین‌های خلیج فارس، مشروعیت سیاسی حکومت از نوع سنتی و از طریق اتحاد بین خاندان سیاسی حاکم و علمای محافظه‌کار و رؤسای قبایل بوده است، چنین اتحاد و ائتلاف یکی از مهمترین موانع در مقابل فعالان زن و نهادهای مدنی ضعیف آنان در پیشبرد حقوق شهروندی شان بوده است. گرچه این اتحاد در سایر کشورهای عربی خاورمیانه آشکار نیست، زنان و نهادهای مدنی زنان با مخالفت‌ها و مقاومت‌ها از ناحیه علما و اسلام‌گرایانی رادیکال مواجه بوده‌اند، به علاوه، توده‌های برخوردار از فرهنگ تابعیت نیز رغبتی به حمایت از فعالان زن و حقوق زنان نداشته‌اند. علاوه بر موانع فوق، وجود شکاف ایدئولوژیک و آموزه‌های بین فعالان زن اسلام‌گرا و سکولار نیز در عدم شکل‌گیری جنبش اجتماعی فراگیر در حمایت از حقوق شهروندی زنان در منطقه خاورمیانه عربی اثرگذار بوده است. مواضع لیبرالی و غرب‌گرای برخی فعالان حقوق زنان نیز بر عدم پذیرش عمومی حقوق شهروندی زنان و نهادهای مدنی آنان از سوی توده‌ها و بر جدیتر شدن مخالفت‌های حکومت و علمای محافظه‌کار اثرگذار بوده است. مدافعان و فعالان زن لیبرال در تلاش بوده‌اند تقریباً محتوا و روش‌های فعالان زن سکولار و غربی را در خاورمیانه پیاده کنند، آنان با اتخاذ موضع نسبی‌گرایی فرهنگی خواستار برابری کامل حقوق زنان و مردان هستند، محدودیت‌های سنتی و شرعی موجود را چندان نمی‌پذیرند، امیدی به عقلانی کردن پدرسالاری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ندارند. طبق گزارش‌های نهادهای حقوق بشری زنان در کشورهای عربی تحت انواع خشونت‌های خانگی و اجتماعی قرار دارند. مشخصه اصلی بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، تنزل حقوق زنان، نابرابری در اشتغال، موانع ایدئولوژیک و ساختاری است. در پایین‌ترین سطح می‌باشد.

ماهیت نظام حقوقی نابرابر و فشارهای همه جانبه بر زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را می توان در سایه بی توجهی به قوانین بین‌المللی حقوق بشر از سوی نظام‌های داخلی و از سوی دیگر نبود اهرم‌های فشار موثر توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری عنوان کرد (فرجی، ۱۳۹۶: ۲۳).

۱۱. مهم‌ترین اقدامات کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در راستای حمایت از حقوق زنان

جدول وضعیت زنان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

ردیف	کشور	اقدامات صورت گرفته در راستای موازین حقوق بشر
۱	بحرین	اعطای حق رأی به زنان تشکیل نهادهای مدنی حضور زنان در کابینه دولت و انتخابات مجلس افزایش فرصتهای مطالعاتی تحصیلات دانشگاهی برای زنان
۲	عربستان	حق رأی حق نامزدی در انتخابات اعطای حق رانندگی تعامل با شورای حقوق بشر حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی افزایش مشارکت اقتصادی زنان در عربستان دگرگونی در نظام آموزش و تخصیص بورسیه تحصیلی آمریکا برای زنان اجازه دریافت مجوز کسب و کار ارتقای شغلی (حق وکالت) استخدام در ارتش
۳	عمان	حمایت از آموزش زنان تخصیص بورسیه تحصیلی برای زنان تعدد مشاغل برای زنان افزایش ۴۰٪ فعالیت اقتصادی زنان افزایش مشارکت اجتماعی زنان
۴	قطر	برداشتن سانسور و نظارت دولت بر مطبوعات آزادی فردی و اجتماعی زنان از قیود سنتی از زنان استیفای حقوق اجتماعی و مدنی زنان اعزام هیئت فرهنگی زنان به کشورهای اروپایی ابلاغ دستورالعمل جهت استخدام زنان توسط دولت اجازه رانندگی و هدایت خودرو به زنان

ردیف	کشور	اقدامات صورت گرفته در راستای موازین حقوق بشر
		انتخاب خانم شیخه المحمود به عنوان قائم مقام وزارت آموزش و پرورش برگزاری گردهمایی های بین المللی در راستای حمایت از حقوق زنان حضور زنان در انتخابات و عرصه های سیاسی حمایت از مشاغل آزاد زنان در عرصه های اقتصادی
۵	کویت	حق راندگی حق تحصیل استقلال و حق مسافرت بدون همسر و پدر اشتغال در بازار کار (با حفظ موازین سنتی و دینی) مشارکت نسبی زنان در عرصه های سیاسی تشکیل چندین اتحادیه برای زنان کویت (جمعیه الرعايه الاسلاميه و...)
۶	امارات	افزایش آزادی اجتماعی بهبودی وضعیت اشتغال زنان (رتبه دوم اشتغال زنان در خاورمیانه با ۴۱٪) حمایت و جذب زنان کارآفرین از کشورهای همسایه تشکیل موسسه «اتحادیه عمومی زنان» به ریاست فاطمه بنت مبارک تدوین طرح راهنمای «توازن جنسیتی»

نتیجه گیری

برابری جنسیتی یک حق اساسی بشری است که مدت هاست زنان بیشتر جوامع از آن محروم شده است، و علیرغم پیشرفت در برخی زمینه‌ها، هنوز چالش‌های قابل توجهی برای دستیابی به برابری جنسیتی واقعی باقی مانده است. بسیاری از کشورها در حال حاضر برای دستیابی به برابری جنسیتی تلاش می‌کنند و قوانین بین‌المللی بسیاری وجود دارد. چارچوب‌های نظارتی و سیاستی در مورد برابری جنسیتی، مانند اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق و منافع زنان و کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان در حال فعالیت است. با این حال، هنوز مشکلات نابرابری جنسیتی از جمله کلیشه‌ها، موانع تحرک طبقاتی و تبعیض جنسیتی وجود دارد.

متعاقباً دو مسئله اصلی مورد بررسی قرار گرفت، در ابتدا سیاست‌های نظام جهانی و حقوق بشر در راستای حمایت از حقوق زنان در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و در بخش دوم سازوکار کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با محوریت حمایت از حقوق زنان که متاثر از قوانین بین‌الملل بوده است، مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا، به بحث وضعت گذشته زنان در کشورهای عربی و یا اثربخشی سیاست‌های بین‌الملل پرداخته نشده است و محور اصلی تمرکز اقدامات صورت گرفته بر اساس موازین حقوق بشر، کنوانسیون و معاهده‌های بین‌الملل بوده است. با نگاهی به تاریخچه وضعیت زنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، باید گفت تا قبل از سه دهه اخیر، زنان از بسیاری حقوق اجتماعی و مدنی در جامعه محروم بودند و پس از شکل‌گیری نظام جهانی در حوزه حقوق زنان و برقراری تعاملات بین کشورهای مذکور با جهان، وضعیت زنان در سه دهه اخیر تا حد زیادی تغییر کرده است. بحرین، عربستان، کویت، عمان و قطر از جمله کشورهای عربی بوده‌اند که در یک قرن اخیر در حوزه زنان تحولات قابل توجهی را تجربه کردند. از سوی دیگر، به دلایل فشارهای بین‌المللی، وضعیت تحصیلات و اشتغال زنان بیشترین تحول را داشته است، این در حالی است که وضعیت مشارکت سیاسی و ایجاد فرصت برابر برای زنان در حوزه‌های سیاسی و حضور در ساختار حاکمیتی پیشرفت چندانی نداشته است و عمدتاً قوانین حقوق بشر بین‌الملل به طور کامل اجرا نشد. البته وضعیت زنان در کشور بحرین نسبت به دیگر کشورها تغییرات چندانی پیدا نکرد و از سوی دیگر کویت بهترین وضعیت سیاسی و اجتماعی را برای زنان ایجاد کرد. به طور کلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دلیل پیشینه تاریخی و فرهنگی، موانع اعتقادی و سنتی آسیب‌های جدی به جایگاه زنان در سده‌های پیشین وارد کردند و همواره زنان نسبت به مردان جایگاه فرودستی را اشغال

می کردند، این در حال است که با شکل گیری کنوانسیون های بین المللی و حمایت جهانی از حقوق زنان و تدوین ضمانت های اجرایی، مناطق در حال توسعه همچون کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تحت تاثیر سیاست های جهانی در حوزه حقوق زنان قرار بگیرند تا جایی که وضعیت آموزش، تحصیلات، اشتغال، آزادی های مدنی و حتی مشارکت های سیاسی زنان نسبت به دهه های پیشین به شدت افزایش پیدا کند. اگرچه هنوز به طور کامل تغییرات در حوزه زنان ایجاد نشده است، اما با تداوم حمایت های بین الملل و تشکیل اتحادیه و جنبش های داخلی توسط زنان این امر به طور کامل محسوس خواهد شد. از طرف دیگر، یکی از ابعاد اصلی فرهنگی، تغییر نگرش و باورهای جامعه و حاکمیت های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نسبت به زنان و حقوق اجتماعی آن بوده است که زعم دیدگاه نگارنده این تحول و تغییر فرهنگی در حال تکامل است و در آینده ای نزدیک قطعاً شاهد تغییرات گسترده ای در حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و همچنین ترفیع جایگاه زنان خواهیم بود. هژمونی نظام جهانی سبب شد تمامی کشورهای در حال توسعه و جهان سوم و همچنین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در تمامی ابعاد فرهنگی و اجتماعی در مسیر تفکرات و چارچوب فرهنگی کشورهای مرکزی حرکت کنند.

فهرست منابع

۱. باوی، ساسان؛ زویداوی، جمیله؛ روشنی سالار، اشرف (۱۳۹۸)، نقش زنان در شبکه های اجتماعی، اولین همایش ملی زن مسلمان ایرانی در آئینه الگوی پیشرفت پنجاه ساله، ری.
۲. بخشی، بهاره؛ نصیری، بهاره، بختیاری، آمنه؛ طاهریان، مریم (۱۳۹۲) نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی شبکه اجتماعی کفه مام، شبکه‌ای برای مادران و کودکان). فصلنامه پژوهشنامه زنان، دوره ۴، شماره ۸ - شماره پیاپی ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۲ مهر ۱۳۹۲ صفحه ۳۷-۵۹
۳. راعی، مسعود؛ جمالی، حمیدرضا، رئیسی، لیلا (۱۳۹۹) نقش «وجدان» در پدیداری حقوق، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۱۲، شماره ۳ پاییز ۱۳۹۹ صفحه ۲۹-۶۵
۴. رفیعی، محمدتقی، دباغی، مجید (۱۳۹۳) جهانی شدن و حقوق زنان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی شدن
۵. سال پنجم / شماره ی چهاردهم / زمستان ۱۳۹۳ (پیاپی ۱۷)
۶. رضانی، پونه و مشهدی، علی (۱۳۹۴)، بررسی نقش سازمان های مردمی غیر دولتی در ارتقاء حقوق بشر در کشور های جهان سوم مطالعه موردی ایران NGO، دومین کنفرانس بین المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، شیراز.
۷. شاهی، محمد شریف؛ جلالی، محمود (۱۳۹۸) نقش سازمان های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی تابستان ۱۳۹۱، دوره شانزدهم - شماره ۲، علمی - پژوهشی (وزارت علوم) / ISC ۲۸ صفحه - از ۹۹ تا ۱۲۶
۸. شبیانی، درنا؛ ماجدی، مسعود (۱۳۹۵) بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان نمونه موردی : بانوان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران - ۱۳۹۵
۹. عبداللهیان، حمید؛ هومن، نیلوفر (۱۳۹۸) نقش شبکه های اجتماعی در توانمندی زنان از منظر صاحب نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات / سال شانزدهم / شماره ۸۵ / بهار ۱۳۹۸
۱۰. غلامی، علی (۱۳۹۵) نقد ممنوعیت پوشش مذهبی به عنوان حقوق بشر در فرانسه، حقوق بشر و شهروندی سال اول بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۱-۷۱-۳۱
۱۱. کفاش نیری، محمد؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۸) جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین الملل، دوره ۱۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۷ بهار و تابستان ۱۳۹۸ صفحه ۱۹-۴۲
۱۲. گرت، استفانی؛ (۱۴۰۳) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، نشر دیگر، چاپ چهارم،

۱۳. فرجی، ملیحه (۱۳۹۶) وضعیت حقوق بشری زنان بحرین؛ بررسی عملکرد حاکمان این کشور، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال سوم پاییز ۱۳۹۶ شماره ۹
۱۴. مهرپور حسین (۱۳۸۸) سازوکارهای بین المللی و میزان بازدارندگی آنها در نقض حقوق بشر. عنوان نشریه: روابط خارجی. اطلاعات شماره: زمستان ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۴؛ از صفحه ۷ تا صفحه ۴۲.
۱۵. نقیب السادات، سید رضا (۱۳۷۹) جهانی سازی و ابزارهای جهانی شدن، منبع: فصلنامه، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۷۹ شماره ۱۰
16. Gillis, Elizabeth (January ۲۰, 2017). "Ahead Of The Boston Women's March, A Look Back ۴۷Years Ago". WBUR.
17. Hua, Wenxi (2024) Gender Inequality: A Multi-Perspective Analysis, Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies, Lecture Notes in Education Psychology and Public Media 42(1):200-204.
18. Hosken, Fran P. , 'Towards a Definition of Women's Rights' in Human Rights Quarterly, Vol. ۳, No. ۲. (May, 1981), pp. ۱۰-۱
19. Noormawati (2024) Women's Rights and Gender Equality. Indonesian Journal of Islamic Jurisprudence, Economic and Legal Theory. July 2024. E-ISSN: 3031-0458
20. Maha Yahya (2020) Advancing the Rights of Women and Girls in the Middle East: An Analysis of Current Trends and U.S. Policy. Director : Malcolm H. Kerr Carnegie Middle East Center Carnegie Endowment for International Peace Testimony before the House of Representatives Foreign Affairs Committee . December 2, 2020
21. Khafagy, Fatemah, Abdel Khalik, Zeina (2019) WOMEN'S ECONOMIC JUSTICE AND RIGHTS IN THE ARAB REGION, Arab States Civil Society Organizations and Feminists Network Statement